



## بررسی ارتباط آزادی اقتصادی و کسری بودجه در کشورهای ناآزاد\*

محمد رضا شریف آزاده<sup>۱</sup> - فرزاد هاشمی<sup>۲</sup>

تاریخ دریافت: ۹۰/۳/۱۰ تاریخ پذیرش: ۹۰/۸/۱۷

### چکیده

از آنجا که حدود آزادی اقتصادی، محدوده بازار را رقم زده و حوزه دخالت دولت در اقتصاد را مشخص میکند، از این جهت در این مقاله کوشش شده است فرضیه رابطه معکوس بین درجه آزادی اقتصادی و کسری بودجه در کشورهای ناآزاد، مورد آزمون قرار گیرد. برای این منظور بین موسساتی که رتبه گذاری در شاخص آزادی اقتصادی کشورها را انجام میدهند، بنیاد میراث<sup>۳</sup> به دلیل پوشش مقاطع زمانی و سری زمانی بیشتر، دقت به لحاظ تعدد و کیفیت زیر شاخه ها و اعتبار سنجی روش و سازمان مولد اطلاعات، استفاده گردید و با استناد به آمار نسبت کسری بودجه به تولید ناخالص داخلی برای کشورهای ناآزاد، شامل ۱۰ کشوری که پایین ترین درجه آزادی اقتصادی را داشته اند، در بازه زمانی (۲۰۰۹-۱۹۹۶) از منابع آماری بانک جهانی استخراج، محاسبه و بوسیله روش دادهای تلفیقی یا گسترده<sup>۴</sup> مورد آزمونهای اقتصاد سنجی قرار گرفت. نتیجه حاصله از ضرایب مدل، تایید رابطه معنی دار و معکوس بین درجه آزادی اقتصادی و کسری بودجه، برای کشورهای ناآزاد شامل ایران، بلاروس، بوسنی هرزگوین، کنگو، اتیوپی، مغولستان، اکراین، تونس، قزاقستان و بلغارستان میباشد.

طبقه بندی JEL: ؟؟؟؟؟

واژگان کلیدی: نا آزادی اقتصادی، کسری بودجه انباشته، بی انضباطی مالی و پولی دولتها

\* کشورهای با اقتصاد نا آزاد (unfreedom countries) economic کشورهای هستند که طبق طبقه بندی بنیاد هریتیج، که شاخص آزادی اقتصادی کشورها را سالیانه و بر مبنای صفر تا صد رتبه بندی می کند، میا نگین سنواتی درجه آزادی اقتصادی پایین تر از ۶۰ را در دوره مطالعه (۱۹۹۶-۲۰۰۹) دارا بوده اند.

<sup>۱</sup> استاد دانشکده مدیریت و اقتصاد دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران

<sup>۲</sup> دانش آموخته دکتری تخصصی اقتصاد دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات

Farzadehashemi@yahoo.com

<sup>۴</sup>-Heritage Foundation

<sup>۵</sup>-panel data

## ۱- مقدمه

یکی از عرصه‌های جدلانگیز در حوزه اقتصاد کسری بودجه است. از آنجا که عدم رعایت انضباط پولی و مالی توسط دولتها نقش مهمی در کسری بودجه دارد توسعه آزادی‌ها به ویژه آزادی اقتصادی از طریق نظارت نهادهای مدنی بر ساختار و گردش بودجه و نیز انبساط بخش خصوصی میتواند جلوی انحراف بودجه را گرفته، کسری بودجه را بطور موثر کاهش دهد.

این در حالی است که در دنیای معاصر بسیاری از کشورهای کمتر توسعه یافته که خود را ملزم به رعایت توازن بودجه نمی‌نمایند، پدیده تورم و کم‌کاری، فقر و معضلات اقتصادی را بیش از دیگران متحمل می‌شوند. به ویژه در مورد کشورهای نفت خیز این مشکل بصورت تصاعدی خود را نشان می‌دهد. به طوری تعهدی جهت باز پرداخت استقراض و برداشتهای مکرر از ذخایر ارزی که سرمایه نسل‌های آتی است توسط دولتهای این کشورها وجود ندارد. به عبارت دیگر به عنوان منبعی سهل الوصول و کم هزینه، معمولاً تلاشی در جهت جبران آنچه برداشت شده است صورت نمی‌گیرد. این کشورها بدلیل ناکارآمدی در مدیریت منابع، کسری‌های انباشته ایجاد می‌کنند و راهی جز انتشار پول بی‌علامت، تغییر در متدهای محاسبه متغیرهای اساسی و رشد و توسعه، پیش پای دولتمردان آنها قرار نمی‌دهد. همچنین کسری‌های مداوم بودجه باعث استقراض داخلی و خارجی و پیامدهای منفی آن می‌گردد و ممکن است دولت‌ها مجبور شوند بخشی از آزادی ملی خود را فدا کنند و در عوض، آنچه بدست می‌آورند بهای اندکی دارد<sup>۱</sup>. امروزه اکثریت کشورها اعم از توسعه یافته و توسعه نیافته، کسری بودجه را تجربه می‌کنند. به عبارت دیگر کسری بودجه دلایل متعددی دارد که در نهایت به نوع و برداشت از آزادی اقتصادی ختم می‌شود. به نظر می

<sup>۱</sup> لازم به ذکر است استقراض از بانک مرکزی معمولاً تورم زا است و در صورت استقراض خارجی، کشور مقروض از دو ناحیه زیان میکند: ۱- پرداخت بهره‌های بالاتر از معمول ۲- کاهش ارزش پول ملی نسبت به ارز، که زیان مضاعفی را در زمان بازپرداخت اصل قرض به کشور بدهکار تحمیل میکند و در شرایط حاد در صورتی که در زمان سررسید نتواند اصل قرض خود را پرداخت نماید، مجبور است به کشور طلبکار امتیاز سیاسی بدهد. مانند کسری بودجه شدید روسیه در انتهای دوره تزارها که منجر به استقراض خارجی و در نهایت، فروش الاسکا به ایالات متحده امریکا شد.

رسد رابطه‌ای دو طرفه و پر قدرت بین کسری بودجه و درجه آزادی اقتصادی وجود دارد. اگر آزادی اقتصادی دارای مولفه‌هایی چون: اندازه دولت، حدود قوانین بازرگانی و اقتصادی، امنیت حقوقی مالکیت دارایی‌های افراد، دسترسی به پول سالم، آزادی تجارت بین‌الملل و ساختار آیین‌نامه‌های کسب و کار، بار مالی دولت، آزادی سرمایه‌گذاری، آزادی مالی و پولی و آزادی مبادله باشد، این فرضیه مطرح می‌شود که با محدود شدن آزادی اقتصادی کسری بودجه افزایش یابد و هر چقدر کشورها از آزادی اقتصادی دور شوند کسری بودجه شدت می‌گیرد. مقاله حاضر این ارتباط را مورد تجزیه و تحلیل و ارزیابی قرار می‌دهد.

## ۲- مبانی نظری در ارتباط با آزادی اقتصادی و انضباط مالی

برخی اقتصاددانان، ارتباط حدود آزادی اقتصادی و انضباط مالی و کسری بودجه را مطرح نموده اند که از آن جمله می‌توان به آدام اسمیت، هایک، فریدمن و همچنین نظریات اقتصاددان‌های نهادگرا به رهبری نورث و در نهایت به نظریه آمارتیاسن در این خصوص اشاره نمود.

### ۲-۱- اقتصاددانان کلاسیک

شالوده سنت کلاسیکی را آدام اسمیت با «سیستم آزادی طبیعی» در هم آمیخت. لذا پرداختن به مسائل بحث‌انگیز در اقتصاد بدون تعریف آزادی عملاً میسر نیست. مفهوم آزادی طبیعی در اندیشه کلاسیکی همان «آزادی عمل و مبادله»<sup>۱</sup> است. این آزادی جزو حقوق اولیه بشر است و «هر مانعی که سبب اختلال در آن شود نظام طبیعی آزادی را خدشه‌دار نموده و آن را منحرف می‌نماید»<sup>۲</sup>. آدام اسمیت «پیشرفت و یا عدم پیشرفت کشورها را بدلیل حدود

<sup>۱</sup> شامل مالکیت شخصی، فردیت، ابتکار، کنترل شخصی و مسئولیت و اصالت فرد می‌باشد.

<sup>۲</sup> ده استاد، تاریخ اندیشه‌ها و عقاید اقتصادی، ترجمه دکتر هادی صمدی، ۱۳۷۴، موسسه تحقیقات اقتصادی،

آزادی ذکر می‌کند که در قوانین طبیعی متبلور می‌گردد.<sup>۱</sup> از این جهت دخالت‌های دولت در امور اقتصادی تنها سبب دور شدن از وضعیت طبیعی و کارایی می‌گردد. آزادی اقتصادی خود را در بازار نشان می‌دهد اما در بسیاری از موارد ایدئولوژی حاکمیت، حدود رقابت یا انحصار را رقم می‌زند. وی با تشریح بازار رقابت کامل می‌گوید: «قیمت‌های انحصاری در بالاترین حد ممکنه قرار می‌گیرند در حالیکه قیمت طبیعی یا رقابتی در سطح پایین‌تری واقع می‌گردند». از دید آدام اسمیت انسان آزادی‌های خودش را مدیریت می‌کند. چرخش آزاد نیروی کار و سیال بودن آن سبب تکامل می‌گردد. همچنین وی آزادی را محرک قدرتمندی برای تغییر و ابتکار تولید می‌داند و انحصار را سبب اضمحلال مدیریت کارآمد ذکر می‌کند. نظام قوانین طبیعی<sup>۲</sup> شالوده مباحثی است که اسمیت دائما به آن اشاره می‌کند. این نظام از دید وی نظامی کارآمد و خالی از اشکال است. مالکیت خصوصی بسیار محترم و اصلی مهم قلمداد می‌شود و دولت را عامل ناکارآمدی معرفی می‌کند. این جمله مشهور که دولت تاجر خوبی نیست از آموزه‌های اسمیت است. در اقتصاد آزاد قوانین محدود کننده مالکیت در اقل خود است. "همچنین قوانین محدود کننده تجارت و بازرگانی نیز به جز تعرفه در برخی موارد و فقط برای حمایت از صنایع داخلی مجاز قلمداد می‌گردد. شفافیت و توانایی پیش‌بینی صحیح در بستر آزادی اقتصادی نمود می‌یابد همین آزادی در کسب و کار و انتخاب حرفه از جمله حقوق مسلم بشر محسوب می‌شود. در چنین شرایطی آزادی اقتصادی سبب افزایش بازدهی‌های عوامل تولید طبق استعدادهای جامعه و استفاده مؤثر از منابع تولید می‌شود و جلوی هرج و مرج در ساختار مالی کشور را می‌گیرد.

مفهوم آزادی در مکتب کلاسیک توسط جان استوارت میل روشنتر بیان شده است: «آزادی فردی برای پی‌گیری منافع خود تا جایی که دیگران را از چنین

<sup>1</sup> An Inquiry Into The Nature & Causes of the "Wealth of Nations" Adam smith, A Penn State Electronic Classics Series Publication, 2005 – The Pennsylvania University, P99.

<sup>2</sup> Natural law

حقی محروم نسازد، معنی دارد. این مفهوم بسیار نزدیک به همان اقتصاد لسفری است. در همین راستا است که عدم دخالت دولت در امور اقتصاد مطرح می‌گردد. از دیدگاه میل «فرد تا جایی آزاد است که به آزادی دیگری زیان نرساند». «فردریک باستیا» بیشترین اثر آزادی را در حوزه اقتصاد می‌داند و نیز اثرگذاری عمده در این قسمت را مربوط به تجارت بین‌الملل ذکر می‌کند. از دید وی فرض اصلی در اقتصاد وجود آزادی است. دفاع وی از آزادی به اندازه‌ای است که «فقدان آزادی را معادل با فقدان رفاه و عدالت دانسته». <sup>۲</sup> و «هدف از قانون را اجرای عدالت می‌داند». <sup>۳</sup>

## ۲-۲- هایک و فریدمن<sup>۴</sup>

هایک و فریدمن در نظریه پردازی در خصوص آزادی اقتصادی مرتبط با انضباط مالی، بسیار نزدیک به هم عمل نموده اند از این جهت در یک دسته بندی قرار می‌گیرند.

هایک آزادی را رهایی از اجبار می‌داند. بر همین اساس آزادی سبب توزیع مجدد ثروت و درآمد می‌گردد. «آزادی واقعی عدالت را برقرار می‌سازد. و مسیر حرکت آزادی به سمت عدالت خواهد بود. اما در نبود عدالت، آزادی در هاله‌ای از ابهام است»<sup>۵</sup>. محور اصلی هرگونه تلاش برای ایجاد یک جهان آزاد و توسعه یافته ارتقای آزادی فردی است. مالکیت خصوصی بزرگترین تضمین آزادی است و رقابت کامل منتج از نظام آزاد قیمت‌ها است.

<sup>۱</sup>. برای اطلاعات بیشتر مراجعه شود به:

<sup>۲</sup> "About The Freedom" 1963, Mill. J. S, The Collection Works of John Stuart Mill, University of Toronto Press.

<sup>۳</sup> Basta Fredric. "Economic Sophisms", The Fun Potion For Economic Education, INC 1996. Duke University, p60-70

<sup>۴</sup> Basta Fredric, That which is Seen & That which is not Seen, FRENCH, 1850

<sup>۵</sup> Fridrich Hayek

<sup>۶</sup> Milton Friedman

<sup>۷</sup> Hayek, Fredric, (2000) "The Road Of Serfdom" Edition Of Reader Digest, The Institute Of Economic, British library, P40

در این میان تأثیر نهادها در رسیدن به نوع بازار اثرگذار است. آزادی اقتصادی و سیاسی در هم تنبیده شده است. بازار رقابت کامل نتیجه آزادی اقتصادی است. به طور خلاصه هاید آزادی اقتصادی را در حدود دخالت دولت و نحوه شکل‌گیری بازار رقابتی، چگونگی تعریف آزادی اقتصادی، کنترل مخاطرات اقتصادی، تجارت آزاد بین‌المللی، توزیع درآمد و آزادی سیاسی و تحقق توسعه پایدار می‌داند. روابط پولی رقابتی، افزایش قدرت پول ملی، کاهش تورم، بانکداری خصوصی آزاد از دیگر مولفه‌های این اقتصاد است. هاید تمرکز قدرت سیاسی و انحصار، را زمینه ساز آشفتگی و بی‌انضباطی مالی ذکر می‌نماید.<sup>۱</sup>

این در حالی است که حرکت به سمت اقتصاد آزاد توسط فریدمن نیز توصیه شده است. وی آزادی اقتصادی را از زوایای مختلف مورد بررسی قرار داده است. یکی از این زوایا برابری فرصت در نتیجه آزادی است. وی می‌گوید «برابری فرصت‌ها و برابری بشر در مقابل قانون آرمان بسیار پسندیده‌ای است و خود به شکوفایی استعدادهای انسانی می‌انجامد و هیچ تضادی هم با آزادی سیاسی ندارد. ولی همین که برابری فرصت‌ها و برابری در مقابل قانون را رها کنیم و بدنبال برابر کردن دستاوردها می‌رویم، در روندی غیرطبیعی گام می‌گذاریم و در این روند نه تنها برابری دستاورد حاصل نمی‌شود بلکه برابری فرصت‌ها و برابری در مقابل قانون و نیز آزادی مردم هم از دست می‌رود»<sup>۲</sup> ایجاد امتیازی که دولت و عوامل دولت با اعمال سلیقه شخصی (که گاه برخلاف قانون) به وابستگان خود می‌دهند مهم‌ترین دلیل عدم توزیع برابر امکانات است، وی می‌گوید اگر برای اشخاص مشکل است تعیین کنند چه کسی بر چه کسی هزینه تحمیل می‌کند این کار برای دولت هم مشکل است و لذا دولتی که سعی دارد شرایط را اصلاح کند در نهایت ممکن است کار را بدتر کند تا بهتر، یعنی «به اشخاص ثالث بی‌گناه خساراتی تحمیل کند و یا به تماشاچیان خوش شانس

<sup>۱</sup> Surjit, S, Bhalla, The Road To Economic Freedom, April 2000, India, New Delhi, P25-75

<sup>۲</sup> فریدمن، میلتون و رز، آزادی انتخاب، ترجمه حسین حکیم‌زاده جهرمی - نشر پارسی، تهران ۱۳۶۷، چاپ فاروس، چاپ اول، مقدمه ص ۸ و ۹.

منافعی عاید گرداند»<sup>۱</sup>. وی در عین حال آزادی اقتصادی را زمینه‌ساز آزادی‌های سیاسی می‌داند و این دو آزادی را به هم وابسته می‌داند و بازار رقابتی را هدف آزادی اقتصادی ذکر می‌کند. او دولت را منشاء رانت<sup>۲</sup> می‌داند بطوری که حتی نظارت دولت هم نمی‌تواند در نهایت مانع رانت گردد. چرا که همین نظارت‌های پیاپی عملاً مسیر آزادی را منحرف، اندازه دولت را بزرگ و آن را از کارآمدی خارج می‌کند. فریدمن، توسعه بخش خصوصی غیروابسته به دولت را در تعقیب آزادی اقتصادی ذکر می‌کند و می‌گوید در چنین شرایطی درآمد های دولت از ناحیه مالیاتها افزایش می‌یابد. از سوی دیگر جامعه‌ای که آزادی را به برابری مقدم می‌دارد، دومی را به عنوان ره‌آورد جنبی بدست می‌آورد یعنی به هر دو هدف می‌رسد.

### ۳-۲- اقتصاددانان نهادگرا<sup>۳</sup>

در دهه ۱۹۹۰ گروهی از اقتصاد دانان چون نورث<sup>۴</sup>، میلگرام<sup>۵</sup>، واین گست و<sup>۶</sup> گریف<sup>۷</sup> خلاء بازار را در عدم کارایی نهادها ذکر کردند، گریف نشان داد در «اعمال غیررسمی، قراردادهای بازرگانی قراردادهایی که متکی بر سازوکارهای حیثیت و اعتبار دو جانبه‌اند معمولاً پرهزینه‌تر از سازوکارهای چند جانبه می‌باشد که در آن فرد متقلب بوسیله کل جامعه‌ایی که طرف مقابل به آن تعلق دارد مجازات می‌شود»<sup>۸</sup> بسیاری از کشورهای رو به توسعه سابقه‌ای طولانی در خصوص نهادهای بازرگانی بومی مربوط به اعتماد و تعهد مبتنی بر سازوکارهای اعتبار چند جانبه و قوانین غیررسمی اداره و اعمال دارند. اوچی (۱۹۸۰) اشاره

<sup>1</sup> Friedman Milton, 1979, "Free To Choose", A Personal Statement, Hearst Corporation, Newyork, P5.

<sup>2</sup> Rent

<sup>3</sup> Institutionalism

<sup>4</sup> Douglass – North

<sup>5</sup> Paul. R. Milgrom

<sup>6</sup> T.W. Guinnane

<sup>7</sup> Avener Greif

<sup>8</sup> Greif.Avener, 1992. Institutions & International Trade Lessons From The Commercial Revolution, American Economic Review 82(2): 128-331

می‌کند در جوامع سنتی، سازمان‌های مبتنی بر طایفه نسبت به روابط بازاری یا سازمان‌های دیوان‌سالار مزیت نسبی دارند ولی در جریان دوره گذار اقتصادی حقوق مالکیت بدون عملکرد بهینه نهادها عملاً پایدار نیست چرا که نهادها می‌توانند لجام گسیختگی آزادی را کنترل کنند و آن را در راستای هدف تصحیح نمایند.<sup>۱</sup> به عبارت دیگر نهادها حقوق مالکیت را قوت می‌بخشند.

نورث می‌گوید: «در جوامع غربی به مرور زمان ساختارهای نهادهای پیچیده‌ای طراحی شده‌اند که هدف از این کار مقید کردن مشارکت کنندگان، کاهش بی‌ثباتی، تعامل اجتماعی و در مجموع جلوگیری از افزایش و تشدید هزینه‌های معامله و فراهم کردن امکان تحقق افزایش بهره‌وری ناشی از یک فن‌آوری گسترده‌تر و بهتر بود. این نهادها عبارتند از حقوق مالکیت که به خوبی تعریف و اعمال شده‌اند قراردادهای ضمانت نامه‌های رسمی، علائم تجاری، مسئولیت محدود، قوانین ورشکستگی سازمان‌ها و شرکت‌های بزرگ، «اما در کشورهای در حال توسعه این نهادها وجود نداشته یا فاقد کارآمدی هستند».<sup>۲</sup>

«بطور خلاصه هزینه‌های محدود کردن رفتار در قالب اقتصاد دستوری، آنقدر زیاد است که در غیاب اعتقادات برای مقید ساختن بیشینه‌سازی فردی، قابلیت استمرار سازمان اقتصادی مورد تهدید قرار می‌گیرد. بخشی از سرمایه‌گذاری در مشروعیت نیز به اندازه هزینه‌های اندازه‌گیری و اجرا که در بخش‌های قبلی توضیح داده شده، هزینه سازمان اقتصادی محسوب می‌شوند و در واقع سند اصلی در اجرای مشروعیت مشهود روابط قراردادی است».<sup>۳</sup> آن گونه که نورث تأکید می‌کند نهادها مجموعه‌ای از قوانین، روش‌های اطاعت و هنجارهای رفتارهای معنوی و اخلاقی تدوین شده هستند که در راستای بیشینه‌سازی ثروت

<sup>۱</sup> Ouchi, W.G. Markets, 1980, Bureaucracies, and Chins, Administrative Science Quarterly 25: 129-41

<sup>۲</sup> استیگلیتز، جوزف و میر، جرالد، پیشگامان اقتصاد توسعه، (آینده در چشم‌انداز)، ترجمه دکتر غلامرضا آزاد (ارمکی)، ۱۳۸۴، نشر نی، چاپ دوم، ص ۳۲۰

<sup>۳</sup> نورث، داگلاس، ساختار و دیگرگونی در تاریخ اقتصادی، ترجمه غلامرضا آزاد ارمکی، تهران، نشر نی، ۱۳۷۹، ص ۳۳.



یا مطلوبیت آمران به محدودسازی رفتار افراد می‌پردازند و لذا قوانین اساسی مجموعه اصل حقوق مالکیت را طرح ریزی می‌نمایند. نتیجه این است که نهادها بدلیل آن که متأثر از فرهنگ جامعه هستند اگر جنبه‌های قانونی هم به آن اضافه شود، به طور قابل ملاحظه‌ای از بی‌انضباطی پولی و مالی و کسری‌های بودجه انباشته که معمولاً ریشه‌های اقتصاد سیاسی دارد جلوگیری می‌نماید.

#### ۴-۲- آمارتیا سن<sup>۱</sup> و اقتصاددانان معاصر

آمارتیا سن آزادی را از دو منظر هدف و ابزار توسعه نگاه می‌کند و لذا به نقش بازار به عنوان بخشی از فرآیند توسعه تاکید می‌کند. اگر آزادی سیاسی نتیجه‌اش در بیان آزاد، آزادی اجتماعی و نوع زندگی خود را نشان دهد بدون شک آزادی اقتصادی در بازار نشان داده می‌شود لذا بازار مأمّن آزادی است. آمارتیا سن بر پنج شرط آزادی تاکید دارد:<sup>۲</sup> ۱- آزادی سیاسی ۲- امکانات اقتصادی ۳- فرصت‌های اجتماعی ۴- وضوح و شفافیت تعهدات ۵- امنیت حمایتی و اجتماعی. از نگاه آمارتیا سن آزادی مفهومی عام دارد که نتایج آن سبب توسعه یافتگی می‌گردد. یکی از شاخص‌های مورد تاکید وی فرصت‌های اجتماعی است. چرا که فرصت‌های برابر اجتماعی نیاز به نظارت و الزامات اخلاقی را کاهش می‌دهد. آمارتیا سن می‌گوید فقر نتیجه فقدان آزادی است. اساسی‌ترین نکته ازدید وی این است که آزادی سیاسی و مدنی به خودی خود اهمیتی مستقیم دارند و نباید مطلوبیتشان براساس تأثیر غیر مستقیمشان بر مقولات اقتصادی توجیه شود. لذا آزادی سیاسی و حقوق مدنی از اصول اساسی در آزادی اقتصادی هستند. نبود آزادی، اقتصاد را از کارآیی خارج می‌کند و سبب هرج و مرج در سیستم‌های مربوط به بودجه‌بندی و بودجه‌ریزی کشورها می‌گردد. آمارتیا سن تصریح میکند فرآیند توسعه بازار حاصل اتفاق نیست بلکه در نتیجه آزادی‌های عمومی است.

<sup>۱</sup> Amartya Kumar Sen

<sup>۲</sup> سن، آمارتیا، توسعه یعنی آزادی، ترجمه محمد سعید نوری نائینی، نشر نی، ۱۳۸۹، ص ۱۲۰

کارایی بازار منوط به ایجاد فرصت برابر به طور عادلانه است. توزیع آزادی‌های اساسی و امکانات به طور عام از آموزه‌های آمارتیاسن در جهت توسعه اقتصادی است که در همین راستا آزادی سیاسی توان شکوفا کردن استعدادهای نهفته را دارا است. ابزار آن مردم سالاری و دموکراسی است اگرچه آن هم اشکالاتی دارد لیکن مسیر رسیدن به کارایی را تسهیل می‌کند. نکته قابل ملاحظه در مباحث سن توجه با اهمیت ذاتی آزادی‌هاست و زمانی تامین می‌گردد که مبتنی بر باورهای فرهنگی و اخلاقیات حاکم در جامعه باشد نظام قیمت‌ها در چنین شرایطی کارآمد عمل می‌کند. بدون شک حسن اعتماد متقابل بین عوامل اقتصادی صرفاً با مکانیسم قیمت‌ها ایجاد نمی‌گردد هر چند که قوانین حمایتی آن هم موجود باشد.

### ۳- پیشینه تحقیق

بسیاری از محققان فرآیندهای تحولات اقتصادی را بدون تحلیل‌های سیاسی مستدل نمی‌دانند. به همین دلیل ساختار سیاسی کشورها بر متغیرهای کلان اقتصادی اثر می‌گذارد و نیز عوامل مؤثر دیگر غیر از نوع حکومت مانند ساختار بازار از جهت انحصاری و یا رقابتی بودن، قوانین مرتبط با مالکیت، محدوده دخالت و نظارت نهادهای کارآمد در حوزه اقتصاد و سیاست، و نگرش حاکمان در خصوص اقتصاد جزء عوامل اصلی و اثرگذار در شکل‌گیری ساختار نظام مالی و پولی کشورها است. همانطور که ذکر گردید پژوهشهایی که مشخصاً رابطه آزادی اقتصادی و کسری بودجه را بررسی کرده باشد بسیار اندک است اما پژوهشهای نزدیک به آن انجام شده است. یکی از موضوعات نزدیک به سرخط فوق ارتباط میان آزادی سیاسی و کسری بودجه است. ادبیات آزادی سیاسی به طور قابل توجهی با کسری بودجه عجین شده است کارهای تجربی و تحقیقی عمدتاً بعد از جنگ جهانی دوم و به طور خاص از ۱۹۵۰ به بعد انجام می‌شود لیپست (۱۹۵۹) ارتباط بین آزادی سیاسی، آزادی اقتصادی و رشد را مثبت

ارزیابی می‌نماید.<sup>۱</sup> همچنین دموکراسی ازدید وی رابطه‌ای صحیح بین دولت و توسعه است.

باگواتی (۱۹۷۰) در مطالعه مشابه با استفاده از متغیرهای مفهومی میراث استعمار، آن را به عنوان یک عامل اثرگذار در آزادی سیاسی و اقتصادی مطرح می‌کند. وی بین آزادی سیاسی و رشد اقتصادی به همبستگی مثبت و معنی‌دار می‌رسد.<sup>۲</sup> بنظر میرسد کشورهایی که استعمار را تجربه کرده اند در گذر زمان بخشی از روشها و فرهنگ توسعه را دریافت نموده اند.

رومر (۱۹۹۶) در یک پژوهش، متوسط دوام دموکراسی سیاسی در آمریکای لاتین را ۱۱/۹ سال و در مقایسه با متوسط پایداری حکومت‌های مستبد که ۶/۸ سال بود، بیشتر می‌داند. از دید وی کسری بودجه در کشورهای دموکراتیک کمتر بوده است.<sup>۳</sup>

دیوید رومر نشان می‌دهد که کسری بودجه معمولاً یک پدیده استاتیک نیست و این موضوع عمدتاً مربوط به کشورهای بی‌پشتوانه است که نهادهای نظارتی قوی بر ساختار بودجه ندارند. وی بدهی بدون پشتوانه و عدم تضمین پرداخت را سبب انباشته شدن بدهی‌ها به مرور زمان می‌داند.<sup>۴</sup> در بازی پونزی<sup>۵</sup> گفته می‌شود محدودیت بودجه فقط مربوط به ارزش‌های حال نیست. زمانی که دولت نتواند کسری بودجه را کاهش دهد، بازی پونزی شروع می‌گردد. اگر تفاوت بین ارزش فعلی درآمد و مخارج در همین زمان، نزدیک به صفر نباشد و مازادی وجود داشته باشد دولت می‌تواند از طریق روش پونزی منافی بدست آورد. به این معنی که اوراق قرضه‌ای در زمان حال منتشر کرده و آن را برای همیشه به جریان می‌اندازند. در تعادل ریکاردین<sup>۶</sup> اثرات انتخاب بین چاپ پول، افزایش

<sup>۱</sup> Lipset, Seymour.M. (1959) "Some Social Requisites Of Democracy, Economic Development and Political Legitimacy, American. Science Review 53. (69-105)

<sup>۲</sup> Bhagwati, Jagdish & Desai, Padma, (1970), Planning For India's Industrialization, Oxford University Press.

<sup>۳</sup> Remmer .K. L. (1996) "The Sustainability Of Political Democracy Lessons For South America" Comparative Political Studies. 291. 11-34.

<sup>۴</sup> Romer David, (1996) "Advance Macro Economics" Mc.GrowHill, Chapter 11.

<sup>۵</sup> Ponzi Games

<sup>۶</sup> Ricardian Equivalence

مالیات و انتشار اوراق قرضه به عنوان منابع اصلی استقراض مورد بررسی قرار می‌گیرد. اما تأمین بخشی از مالیات‌های آینده در مورد اوراق قرضه‌ای که منتشر شده است توسط افرادی باز پرداخت می‌شود که در زمان انتشار اوراق قرضه به دنیا نیامده بودند، لذا اوراق قرضه بیانگر ثروت خالص کسانی است که در حال حاضر زنده هستند و می‌توانند رفتار مصرفی آنها را تحت تأثیر قرار دهد. اما برخی دیگر از اقتصاددانان چون پوتربا<sup>۱</sup> و سومرس<sup>۲</sup> (۱۹۸۵) نشان داده‌اند که بیشتر هزینه‌های مربوط به جنگ جهانی دوم که توسط دولت آمریکا پرداخت شد از طریق مردمی که در طول جنگ در سن کارکردن قرار داشتند تأمین شد، ضمن این که در بسیاری موارد خانواده‌های تک نفره وجود دارند که از خود نسلی جدید باقی نمی‌گذارند.

از سوی دیگر در زمان کسر بودجه اوراق قرضه منتشر شده توسط مالیات‌های آینده بازپرداخت می‌شوند که بازپرداخت این اوراق در زمان سررسید حجم پول در گردش را بالا می‌برد و مانند مالیات‌های تورمی عمل می‌نماید.<sup>۳</sup> این مکانیسم در عمل سبب محدودیت قدرت خرید مردم و انتخاب کالا و خدمات و کاهش مالیات دهندگان می‌گردد و ساختار بودجه را برای بلند مدت تحت تأثیر خود قرار می‌دهد. رابرت برو (۱۹۷۹) نشان می‌دهد برای کاهش انحرافات دولت‌ها می‌بایست بر روی یک مسیر به یکسان‌سازی مالیات‌ها پیرازند.<sup>۴</sup> وی تأیید می‌کند که کسری یا مازاد بودجه زمانی رخ می‌دهد که نسبت هزینه‌های دولت به تولید ناخالص داخلی تغییرات ناگهانی داشته باشد. او می‌گوید کسری بودجه دلایل غیراقتصادی قدرتمندی دارد. با مطالعه متغیرهای مالی طی ده سال، بسیاری از سیاست‌های مالی انجام شده را با فاصله زیاد از حد کسری ایده‌آل بودجه دانسته، بیشتر ناکارآمدی را در بودجه دولت‌ها معطوف به سیاست‌های سیاستمداران ذکر می‌کند، چرا که آنها از ابزارهای اقتصادی برای پیشبرد مقاصد سیاسی استفاده

<sup>۱</sup> Poterba

<sup>۲</sup> Summers

<sup>۳</sup> Seignorage = حق‌الضرب پول

<sup>۴</sup> Barro Robert, (1989), On The Determination Of Public Debt. Journal Of Political Economy, Vol 84. PP 343-49

می‌کنند، و کسری‌های بودجه عظیم ایجاد می‌نمایند. در این میان رفتار سیاسیون و رأی دهندگان مورد توجه است مشاهدات تصادفی تاکید می‌کند که دولت‌ها منابع ناکارآمدی مهمی هستند و مأموران عالی رتبه خود را تا حد زیادی برای جامعه ارزشمند می‌دانند، لذا دولت‌ها و مجلس‌ها منافع زیادی دارند و بخشی از آن را بین گروه‌های کوچکتر تقسیم می‌کنند که نتیجه آن ناکارآمدی و بی‌انضباطی مالی و پولی و کسری بودجه است. این مسئله از محدودیت بودجه دولت نشات می‌گیرد که بر اساس آن کل مخارج و پرداختهای بهره‌ای در هر دوره باید برابر با مالیاتها و خالص انتشار بدهی عمومی بهره‌دار و سایر منابع گردد. نتیجه تحقیق بسط تعادل ریکاردین است.<sup>۱</sup> واگنر و بوکانان می‌گویند: دانش مالیات دهندگان و مالیات گیرندگان ناقص است و ریشه انحراف و کسری بودجه هم همین است. سیاسیون برای جلب رأی در دوره آتی مالیات‌ها را کم می‌کنند بعضاً اقدام به افزایش هزینه جهت توسعه کالای عمومی می‌نمایند ولی سیاست‌های انبساطی مالی و پولی نتیجه‌ای به جز تورم ایجاد نمی‌کند.<sup>۲</sup>

سونسون و پرسون نشان می‌دهند که سیاستمداران جدید چون وارث بدهی‌های گذشته‌اند لذا برای آیندگان بدهی‌های جدیدی می‌گذارند و خود را ملزم به سیاست توازن بودجه نمی‌دانند اگرچه از کسری بودجه اظهار تاسف می‌کنند.<sup>۳</sup> می‌توان مفهوم کسری بودجه انباشته را از عملکرد آنها استنباط نمود. رومر آن را بدهی استراتژیک تجمعی می‌خواند.<sup>۴</sup>

تابلینی و السینا<sup>۵</sup> به عدم توافق در خصوص ترکیب مصارف دولت توجه می‌کنند. از دید آنها هر سیاستمداری معتقد است نوع مصرف دیگران نامناسب است که همین ایده سبب بدهی‌های تجمعی می‌شود. آنها عدم توافق در مورد

<sup>1</sup> Ricardhan Equivalent

<sup>2</sup> Wagner and Buchanan, 1977, "Democracy and Budget Deficit, Newyork , Academic Press

<sup>3</sup> Persson, Thorsten, Svensson, Lars, "Why a Stubborn Conservative World Run a Deficit Policy With Time Inconsistent Preferences, The Quarterly Journal Of Economics (1989) Vol. CIV, PP, 325-345.

<sup>4</sup> Strategic Debt Accumulation

<sup>5</sup> Tabellini, Guido and Alesina (1990), Voting On The Budget Deficit, The American Economic Review, Vol80, No1, PP 37-49.

ترکیب مصارف دولت را ریشه کسری بودجه و انباشت بدهی‌ها می‌دانند. سانچر و روبینی (۱۹۸۹)<sup>۱</sup> و ماسیاندارو و گریل و تابلینی (۱۹۹۱)<sup>۲</sup> رابطه بین متغیرهای سیاسی و کسری‌های بودجه را مورد تحلیل قرار داده‌اند. آنها دریافتند با تداوم کسری بودجه، نرخ مالیات همواره زیر مقداری می‌باشد که انتظار می‌رود محدودیت بودجه را تامین نماید. آنها نشان داده‌اند کشورهای که بعد از اولین شوک قیمتی نفت در سال ۱۹۷۳ دچار کسری بودجه شدند و کشورهایی که دچار کسری بودجه نشدند تفاوت نظام‌مند دارند. کشورهای گروه اول دارای دولت‌های با طول عمر کم بودند درحالی که کشورهای گروه دوم دارای دولت‌های مستحکم‌تر و طول عمر بیشتری بودند برای آزمون قدرت این الگو، روبینی و ساچر کسری بودجه را به عنوان بخشی از تولید ناخالص داخلی، بر روی مجموعه‌ای از متغیرهای اقتصادی و متغیرهای سیاسی که ضعف دولت را اندازه‌گیری می‌کند در نظر گرفتند. دامنه‌های متغیرهای سیاسی از صفر برای ریاست جمهوری، یا یک حزب اکثریت دولتی تا سه برای یک حزب اقلیت دولتی در نظر گرفته شد و کسری‌های بودجه به عنوان سهمی از تولید ناخالص داخلی به عنوان متغیر وابسته و متغیرهای مستقل، بردار متغیرهای سیاسی و نیز بردار متغیرهای بدهی‌ها در نظر گرفته شد و مشاهدات سالیانه طی (۱۹۸۶-۱۹۶۰) برای ۱۵ کشور لحاظ گردید. نتیجه برآورد نشان می‌دهد که متغیر صفر تا سه متغیر سیاسی به افزایش نسبت کسری بودجه به تولید ناخالص داخلی بوسیله ضریب مربوطه قابل تایید و معنی‌دار است که نشان از تأثیر شدید متغیرهای سیاسی و حاکمیتی در کسر بودجه دارد همچنین نسبتی از مخارج دولت (بدهی‌ها) به تولید ناخالص داخلی بصورت معنی‌دار و مثبت به کسر بودجه وابسته است.<sup>۳</sup> بارو (۱۹۸۹)<sup>۳</sup> نشان

<sup>۱</sup> Sachs, J. and S. Roubini. N. (1989) Government Spending and Budget Deficit In The Industrialized Countries, Economic Policy 8: 99-32

<sup>۲</sup> Masciandaro, D & Grilli, V & Tabellini, G, (1991) Political and Monetary Institutions & Public Finance Policies In The Industrial Democracies, Economic Policy 13-341-92.

<sup>۳</sup> همان منبع

<sup>۳</sup> Barro, Robert, 2000, Ricardian Approach To Budget Deficit, Journal Of Political Economy, Vol. 84. P343-49

می دهد چون کسری بودجه تابعی از مالیات ها و هزینه های دولت است اگر کاهش در منابع تامین کسری بودجه از طریق کاهش مالیات اتفاق افتد در نهایت به مالیاتهای بیشتری در آینده منجر می گردد که به دلیل قید بودجه دولت است. همچنین در مطالعه دیگری در دو مرحله (۱۹۱۸-۱۷۰۶) و (۱۹۱۳-۱۷۰۶) قبل و پس از جنگ جهانی اول، کسری بودجه را نتیجه انباشت بدهی ها در دوره قبل و نسبت هزینه های موقتی دولت بریتانیا میداند وی نشان میدهد که نسبت کسری بودجه به تولید ناخالص داخلی با نسبت بدهی ها و هزینه های موقتی به تولید ناخالص داخلی رابطه ای مثبت و قوی دارد و نتایج بیان میکند چه نسبتی از هزینه های دولت بریتانیا از طریق کسری بودجه قابل تامین است.<sup>۱</sup> کفروناک و السن<sup>۲</sup> (۱۹۹۶) و دی هان و استروم (۱۹۹۴) کرچاسنر (۲۰۰۱)<sup>۳</sup> استحکام قوت این یافته ها را مورد بررسی قرار دادند. نتایج پیوندهای شدید بین متغیرهای سیاسی و کسری بودجه را نشان میدهد. همچنین رشد بدهی ها رابطه منفی قوی با جریان بودجه کشور دارد و کشورهای با حکومت های مستبد کسری های بودجه انباشته را بیشتر از کشورهای دموکراتیک تجربه می کنند.<sup>۴</sup>

السینا و پروتی (۱۹۹۵)<sup>۵</sup> دریافتند که کسری های بودجه زیاد در برخی از کشورهای (OECD) و افزایش بدهی های آنها در ۲۰ سال منتهی به سال ۱۹۹۳ قابل توضیح بوسیله مدل های کسری های ملایم بودجه<sup>۶</sup> نیست بلکه مدل های اقتصادی سیاسی در این خصوص کارآمدتر عمل می نماید. ۶ مدل و به تبع آن ۶ توضیح برای این پدیده دریافت گردید.

<sup>4</sup> Barro, R., 1987, Journal Of Monetary Economics, 20, 221-247

<sup>5</sup> Keefer. P- Knack. S-Olson. M. (1996) Property and Contract Rights In Autocracies and Democracies, Journal Of Economic Growth 1:243-76.

<sup>6</sup> Kirchgassner, G., 2001, The Effect Of Fiscal Institution On Public Finance, CE sifo Working Papers 617

<sup>4</sup> De Haan & E. Strum (1994), Political & Institutional Determinates Of Fiscal policy In The Euro pean Community, Public Choice 80: 157-72

<sup>5</sup> Alesina, Alberto, and Perotti, Roberto: March (1995), Political Economy Of Budget Deficits International Monetary Fund, Staff, Papers – International Monetary, Washington, Vol 42, IISS, 1

<sup>6</sup> Smoothing Budget Deficit

۱- مدلی بر پایه رفتار سیاستمداران فرصت‌طلب و رای دهندگان بی‌تجربه و ناآگاه. ۲- مدل‌های توزیع مجدد بین نسلی ۳- مدل‌هایی بر پایه متغیر استراتژیک (ارتباط بین دولت قبلی و فعلی) ۴- مدل‌های ائتلافی کامل دولت‌ها ۵- مدل‌هایی براساس علایق و سلائق در مناطق جغرافیایی. و ۶- مدل‌های متکی بر درک سیاسی.

ال‌سینا و پروتی (۱۹۹۸) اثرگذاری سیاست‌های مالی را در بودجه مؤسسات اندازه‌گیری کردند. نتایج تاکید می‌کند که حضور نهادهای مدنی مؤثر در جامعه به طور چشمگیری ساختار بودجه را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد. و نگارش بودجه محتاطانه - واقعی و توأم با ساختار نظارتی، کسری‌های کمتری را متوجه جامعه می‌کند. مطالعه ۱۹ کشور OECD طی (۱۹۹۴-۱۹۶۵) بیانگر رابطه‌ای معنی‌دار بین ساختار بودجه و حضور پررنگ نهادهای مدنی و غیردولتی مستقل است. یافته‌های تحقیق فوق، نشان می‌دهد، متوسط کسری‌های بودجه هنگامی بالاتر می‌رود که دولت‌ها دوام کمتری داشته باشد گرچه ممکن است این ارتباط رابطه علی و معلولی نباشد اما بر هم اثرگذار است. دولت‌های ضعیف از ابزار مالی برای بقا استفاده می‌نمایند و خواست مردم را در خصوص کالاهای عمومی پوشش نمی‌دهند و انباشت بدهی‌های ناشی از کسر بودجه بصورت مستمر در کشورهای خارج از شمول دموکراسی تا آینده ادامه دارد. لذا می‌توان نتیجه گرفت که عدم توسعه آزادی‌های اقتصادی و اجزاء آن می‌تواند منجر به کسری‌های بودجه انباشته و خارج از قاعده شود و سبب تداوم حق الضرب پول (مالیاتی‌های تورمی) می‌گردد. (یعنی این که دولت برای برطرف‌کردن کسری بودجه اقدام به چاپ پول میکند ولی در دوره بعد همچنان کسری بودجه وجود دارد چرا که تورم سبب کاهش قدرت خرید و در نتیجه کاهش درآمد و افزایش هزینه‌های دولت میگردد).

<sup>3</sup> Alesina, Alberto, and Perotti, Roberto, 1998, Budget Deficit & Budget Institutions, given of: www. Translate.Google. com



نوربرت میشل (۲۰۰۴) نشان داده است همانطور که درجه آزادی سیاسی بر کسری بودجه اثرگذار است کسری بودجه هم می‌تواند تهدیدی برای آزادی اقتصادی باشد. پوشش دادن هزینه‌ها که منجر به افزایش بدهی‌های شده است برای سیاستگذاران راهی به جز فشار بر مؤدی جهت پرداخت مالیات باقی نمی‌گذارد. نتیجه این که اثر کسری بودجه بر درجه آزادی اقتصادی هم امکان پذیر است.<sup>۱</sup>

رافایل مرینو کورتز (۲۰۰۵)<sup>۲</sup> مطالعه خود را در مورد کارگران نیویورک انجام داده است. وی نتیجه می‌گیرد سیاست‌های دموکراتیک دولت، سبب افزایش اشتغال، تولید، مالیات و در نهایت بهره‌وری عوامل تولید را بالا برده و به نحو چشمگیری جلوی بی‌انظیباتی مالی ایالتی را گرفته است.

الینور اوستروم (۲۰۰۳)<sup>۳</sup> به تأثیر غیرمستقیم دموکراسی مشارکتی در کاهش کسر بودجه پرداخته است. از جمله شاخص‌های دموکراسی مشارکتی نهادهای خود مدیریتی است که اساساً تابع اداره شاغلین یک واحد تولیدی و اقتصادی است. دغدغه این نهادها ساماندهی بهینه امور مربوط به یک واحد اقتصادی است تا منافع شاغلین خود را تأمین نماید. از این دیدگاه مستحکم‌ترین سنگر دفاع از دموکراسی مشارکتی، وجود همین نهادها است. طبیعی است که اجتناب از نخبه سالاری و معمول داشتن گسترده‌ترین مکانیسم‌های دموکراتیک جهت ایجاد بهترین شرایط یک دخالت مستقیم و بی‌واسطه آحاد نیروی کار هدایت و مدیریت درونی نهادهای خود مدیریتی محل کار، شرط تعهد و دفاع از هستی نظام دموکراسی مشارکتی است. در همین راستا اتحادیه‌ها و سندیکاها شکل مناسبی برای تامین حدی از مشارکت شاغلین واحدهای اقتصادی و سازماندهی مدیریتی

<sup>1</sup> Norbert Michel, "Budget Deficit Very Between Freedom Economic" Capitalism Magazine, Summer (2004).

<sup>2</sup> Cortes, Merino, Rafael.(2005), Interview With The National Union Of Rail, Maritime, Transport Workers (RMT). Bristol Rail Branch, December, Bristol, England

<sup>3</sup> Ostrom, Elinor and T. K. Ahn, (2003), Foundation Of Social Capital, Hard Cover, p77

این واحدها می‌باشد. توسعه قابلیت‌های عمومی از این دیدگاه به شکل‌گیری و نقش‌آفرینی نهادهای خود مدیرتی کمک می‌کند.

اگرچه برخی جامعه شناسان چون ماکس وبر<sup>۱</sup> معتقدند که این نوع دموکراسی قابل پیاده شدن در جوامع کوچک است و در جوامع بزرگ کارایی ندارد و بناچار باید از دموکراسی نمایندگی بهره برد. لیکن به نظر می‌رسد دموکراسی مشارکتی تأثیرات مثبتی بر کاهش کسری‌های مدام بودجه و بودجه‌بندی بر مبنای واقعیت داشته باشد. جان فوبز<sup>۲</sup> (۲۰۰۳) از جمله اقتصاددانانی است که به بررسی متغیرهای کلان اقتصادی در آفریقای جنوبی پس از تغییرات و قبل از آن پرداخته است و به این نتیجه می‌رسد که کسری‌های مداوم بودجه تا قبل از تغییرات سیاسی اجتناب‌ناپذیر بود، لیکن پس از فروپاشی آپارتاید با وجود آن که اصلاحات زیادی انجام شد لیکن، کسری‌های بودجه به نحو قابل ملاحظه‌ای کاهش یافت که مربوط به دو اثر افزایش منطقی مالیات و کاهش جریان هزینه‌های بی‌مورد به خواست دولت جدید بود.

دانیل اسشوگورنسکی (۲۰۰۴) نشان داده است. اصول حقوقی دموکراتیک، شفافیت زیاد دولت‌ها و شهروندان فعال از معیارهای بودجه مشارکتی است. افزایش اعتماد سبب تولید بودجه‌های مشارکتی شده است. اعتماد متقابل بین دولت و شهروندان از طریق نهادهایی که مستقل عمل کنند، در نهایت تعادل بودجه را ایجاد می‌کند. از دیدگاه اسشوگورنسکی رأی در رأی (منظور گزینش رای آورنده پس از انتخاب است) آفت دموکراسی و کاهش اعتماد و آزادی اقتصادی است. در این میان آموزش براساس نیازهای ملی با ساختار دموکراتیک امکان رهاسازی استعدادها و بازدهی بیشتر فعالیت‌ها و به تبع آن کفایت بودجه را فراهم می‌نماید.

<sup>۱</sup> Weber.Maks.

<sup>۲</sup> Fubbs Joan (2003). "Participatory Democracy and The Budget", South Africa, Stellenbosch Conference.

<sup>۳</sup> Schugurenky. Daniel, April 29, 2004. Participatory Budget, A Tool For Democratizing Democracy. Talk Given at The Meeting "Some Assembly Required" Case Of Canada and Abroad, Toronto Metro Hall

ماتیوس کوانینگ و آرچیبولدی (۲۰۰۲) در مقاله‌ای تحت عنوان کسری بودجه دموکراتیک در اتحادیه اروپا و سیاست خارجی و امنیتی، بزرگترین چالش اروپای متحد را پس از یکپارچگی معمای دوگانه منافع ملی با توجه به دموکراسی از یک سو و توجه به منافع بین‌المللی با عنایت به اصل اروپای واحد ذکر می‌کند. از دید نویسندگان هرگونه کسری بودجه خارج از شمول توافق شده در پارلمان اروپا اثرات سوء در حوزه اقتصادی دیگر کشورها از جمله تورم انتقالی را ایجاد می‌کند. لذا دولت‌ها عملاً با این مساله روبرو هستند که منافع ملی را با توجه به محدود شدن بودجه چگونه باید تامین نمایند؟

در این میان نقش نهادهای بین‌المللی می‌تواند در راستای منافع بین‌المللی با رویکرد ملاحظاتی ملی موثر باشد. همچنین همراهی نمایندگان در پارلمان اروپا می‌تواند راهگشا باشد. بدون شک تخصص نمایندگان و اعضای نهادهای بین‌المللی به طوری که بتوانند تصمیمات متخذه را قبل از اجرا به فرآیند بودجه ریزی نزدیک نمایند بسیار مهم و قابل تأمل خواهد بود. ضمن این که نهادها باید به طور مستقیم توسط جامعه مذکور انتخاب شوند تا هزینه‌های بودجه ریزی دموکراتیک را کاهش دهند.<sup>۱</sup>

شی و سون‌سون (۲۰۰۲)<sup>۲</sup> به این نتیجه می‌رسند که عملکرد سیاسیون در جریان انتخابات منجر به افزایش انباشته کسری بودجه در دوره‌های آتی می‌گردد. زمان انتخابات معمولاً زمانی است که کسری‌های بودجه به علت اتمام دوره ریاست جمهوری و در حداکثر خود است و دقیقاً در همین زمان انتخابات جدید پیش روی است. لذا چرخه بودجه سیاسی در کشورها به طور فزاینده‌ای کسری‌های بودجه را افزایش می‌دهد. این محققین نشان می‌دهند کسری بودجه در

<sup>1</sup> Mathias Koenig, October (2002), Archive Is Research Officer at The London School Of Economics and Political Science, Revised Version Of a Paper Presented at The Conference "The International Role Of The European Union & The Enlargement Process"

<sup>2</sup> Shi, Min & Svensoon, Jakob, (2002) "Political Budget Cycles In Developed and Developing Countries"

این زمان بشدت زیاد می‌گردد. در این تحقیق از تکنیک پنیل پویا<sup>۱</sup> استفاده شده است.

از سوی دیگر کولین کمپیل (۲۰۰۲)<sup>۲</sup> نیز معتقد است در کانادا اتخاذ یک سیاست مبتنی بر جریان بازار به طوری که با تحولات روز اقتصادی و سیاسی همراه باشد، سبب اصلاحات مالیاتی و در نهایت کسری بودجه دموکراتیک می‌شود. تئوری کمپیل نشأت گرفته از دید تئوری سیستم در مطالعات سیاسی است. به نظر وی در صورت کسری بودجه دموکراتیک متغیرهای اقتصادی لطمه کمتری را نسبت به حالتی که بی‌انضباطی مالی در کشورها وجود دارد می‌بینند و خطرات بلند مدت آن کمتر است.

آیوان تالپوس و همکاران (۲۰۰۸)<sup>۳</sup> به بررسی عوامل اثرگذار بر کسری‌های بودجه پرداخته‌اند. از دیدگاه تالپوس، سیاست‌های اقتصادی و بویژه مالی در فضای تهی طراحی و اجرا نشده‌اند. ویژگی‌های ساختاری سیستم اقتصادی، ساختارهای نهادی جوامع، الگوی فرهنگی و روابط مربوط به قدرت بین گروه‌های اجتماعی گوناگون حدود سیاست‌ها را تعیین می‌کند. لذا کسری بودجه رابطه تنگاتنگی با نوع آزادی اقتصادی دارد. برای این منظور شاخص آزادی برای سال‌های (۲۰۰۳-۲۰۰۶) برای منتخبی از کشورها، از روش داده‌های تلفیقی انجام شد. وی سه مدل را پردازش می‌کند. اول مدل رشد کسری بودجه است که تابعی از شاخص‌های فاصله قدرت از مردم، فردگرایی، مردسالاری و پرهیز از عدم اطمینان است. ضرایب متغیرهای مستقل همگی معنی‌دار و رابطه مثبت و مستقیم با رشد کسری بودجه دارد. مدل دوم نسبت کسری بودجه به تولید ناخالص ملی را تابعی از رتبه آزادی اقتصادی محاسبه شده توسط موسسه فریزر لحاظ می‌کند این مدل قدرت توضیح دهندگی کم دارد اما ضریب متغیر

<sup>۱</sup>.Dynamic Panel

<sup>۲</sup>.Campbell Colin,(2002) Canadian Tax Journal, Revue Fiscal Canadian Vol, 50, No6, "Budget Surplus, Democratic Deficit"

<sup>۳</sup>-.Talposloan, BogdanDima, MihaiMutascu, CosminEnache , An Empirical Analyses Of The Budget Deficit, The Political and Applied Economics, REL Classification: 13 F. 10B, 8 K . 2008, PP. 15-36

رتبه آزادی اقتصادی معنی دار است. در مدل سوم نسبت کسری بودجه به تولید ناخالص ملی، به عنوان تابعی از شاخص حقوق سیاسی (پروسة انتخاباتی، ائتلاف سیاسی و مشارکت سیاسی و عملکرد دولت) با شاخص آزادی‌های مدنی (آزادی بیان و عقیده، حقوق سازمانی و شرکتی، قانون، اختیار شخصی و حقوق فردی، آزادی در تبادل با خارجی‌ها و تنظیم قواعد اعتبار نیروی کار و شغل) رگرسیون خطی زده شده است. این مدل نیز قابل تایید بوده اما قدرت توضیح دهنده قوی ندارد. به نظر میرسد علت نتایج ضعیف انتخاب تصادفی متغیرها بوده است. نتایج نشان می‌دهد نهادهای مدنی از نهادهای سیاسی با اهمیت تر است و اثر بیشتری را در کسری بودجه بر جای می‌گذارند. اما نتایج جنبی تحقیق نیز بشرح زیر است: ۱- هر چقدر کیفیت نهادی خصوصی بالاتر باشد کسری بودجه پایین تر است. ۲- هر چقدر کیفیت و اهمیت نهادهای اجتماعی و فرهنگی، رسمی و غیررسمی جامعه مدنی بالاتر باشد کسری بودجه پایین تر است. ۳- هر چقدر کیفیت نهادهای مکمل بازار بالاتر باشد رشد اقتصادی مطلوبتر و هزینه‌های اجتماعی پایین تر است. تحقیق مذکور اذعان دارد که روابط نهادی، فرهنگی، سیاسی و نوع آزادی اقتصادی عوامل مهم و اثرگذار بر کسری‌های بودجه کشورهاست.<sup>۱</sup> تالپوس و همکاران (۲۰۰۸) در بررسی مشابه برای ۵۶ کشور رتبه آزادی اقتصادی را به عنوان متغیر مستقل و نسبت کسری بودجه به تولید ناخالص ملی را متغیر وابسته قرار داده اند. این مطالعه برای سالهای (۲۰۰۳-۲۰۰۶) به صورت داده‌های تلفیقی برآزش شده است. نتیجه مدل این بود که با افزایش رتبه آزادی اقتصادی نسبت بودجه بهبود می‌یابد اما ارتباط بین متغیرها معنی دار ولی ضعیف برآورد گردیده است. که مهمترین دلایل آن تعداد سنوات کم و عدم دسته بندی کشورها به لحاظ ساختار بودجه و درجه همگنی آزادی اقتصادی

<sup>۱</sup>. همان منبع.

3 -Talpos Ioan;(2009), Freedom Political and Deficit Budget In The World . Given Of  
:www.google.Com

است. عبدولی، محمد یونس و همکاران<sup>۱</sup> برای سال‌های (۲۰۰۵-۱۹۹۰) به بررسی اثرات عوامل گوناگون عدم ثبات سیاسی به رشد اقتصادی در کشورهای شرق آسیا می‌پردازد. یافته‌های تحقیق نوعی رابطه نزدیک بین ثبات سیاسی و رشد اقتصادی را نشان می‌دهد. به نظر محققین ثبات سیاسی نقش برجسته‌ای را در تعیین رشد اقتصادی و منابع انباشتگی سرمایه برعهده دارد. در این مطالعه از روش‌های سهمی میانگین و دیاگرام‌های تین‌برگن<sup>۲</sup> به لحاظ نشان دادن اهمیت ثبات سیاسی نسبت به آزادی اقتصادی، سیاسی برای انباشتگی سرمایه استفاده شده است. نتایج حاصله حاکی از آن است که نقش ثبات سیاسی در تسریع رشد اقتصاد در سطح بالاتری از آزادی اقتصادی است. متغیرهای پروکسی<sup>۳</sup> موجود برای ثبات سیاسی عبارت‌اند از طول عمر نظام، نسبت تراکم انتخابات، افزایش تعداد احزاب سیاسی، قدرت حزب حاکم، نسبت هزینه‌های نظامی به تولید ناخالص ملی، شاخص دموکراسی‌گرایی، ترکیب نرخ‌بندی ریسک و شاخص درگیری سیاسی، اجتماعی، تعدد احزاب سیاسی در مجلس نتیجه نهایی حکایت از همبستگی بسیار قوی (در معادلات رگرسیونی) بین متغیرهای ثبات سیاسی بر رشد اقتصادی است و این تأثیر مستقیم است، اگرچه آزادی سیاسی هم بر رشد اقتصادی اثرگذار است لیکن ثبات سیاسی از پایداری و استحکام و قدرت توضیح‌دهندگی بالاتری برخوردار است.

#### ۴- محدودیت‌های تحقیق

از آن جا که برای تحلیل بین کسری بودجه و آزادی اقتصادی، آمارهای کسری بودجه و درجه آزادی اقتصادی برای کشورها، با سیستم اقتصادی باز و بسته مورد نیاز بود و نیز اطلاعات مربوط به کسری بودجه بطور مجزا و خالص موجود نبود، لذا آمارهای درآمد

<sup>1</sup> MohammadYounis, XuXiao, LinYahyaSharahili, Samthirasegaram Selvarathinam, 2008, "Political Stability and Economic Growth In Asia" American Journal Of Applied Sciences5(3): 203-8

<sup>2</sup> Tinbergen Diagram

<sup>3</sup> Proxy

مالیاتی<sup>۱</sup> و هزینه های دولت<sup>۲</sup> با توجه به درجه آزادی آنها از منابع بانک جهانی جمع آوری گردید. برای این منظور نخست دو منبع آماری EFW<sup>۳</sup> (محاسبه شده توسط مؤسسه فریزر) و EFI<sup>۴</sup> (محاسبه شده توسط بنیاد هریتیج و وال استریت ژورنال) پیشنهاد گردید. اما همانطور که ذکر گردید آمارهای مربوط به EFW از ۵ مؤلفه ی اصلی تشکیل شده است و از لحاظ سری زمانی، سال های کمتری را پوشش می دهد اما آمارهای مربوط به EFI با لحاظ نمودن ۱۰ مؤلفه اصلی و تعداد زیادی مؤلفه ی فرعی و سطح پوشش بیشتر سنوات زمانی (تعداد سالها) و نیز تعداد کشورها، از دقت بیشتری برخوردار است و برای تحقیقات اقتصاد سنجی مناسبتر می باشد همچنین مقطع زمانی<sup>۵</sup> (تعداد کشورها) در EFI بیشتر از EFW است ضمن این که در پژوهش مشخص گردید که روش محاسبه بنیاد هریتیج اقتصادی تر از مؤسسه فریزر است و مؤسسه فریزر بیشتر جنبه های تجاری را مد نظر قرار داده است. نتیجه این مقایسه در جدول (۱) آمده است.

لذا با توجه به مزیت های EFI از این شاخص استفاده شد و سال های مورد بررسی، ۱۹۹۶ تا ۲۰۰۹ در نظر گرفته شد که برای این منظور آمارهای مربوط به نسبت کسری بودجه به تولید ناخالص داخلی از منابع بانک جهانی اخذ گردید. طبق استاندارد EFI کشورهای با درجه آزادی اقتصادی (۸۰-۱۰۰) کاملاً آزاد و (۷۰-۸۰) تقریباً آزاد هستند که در این مرحله کشورهای با میانگین درجه آزادی اقتصادی پایین، یعنی (۶۰) و کمتر، که کشورهای تقریباً غیرآزاد وزیر (۵۰) که کشورهای کاملاً غیرآزاد و پایین جدول را شامل می شد، انتخاب شدند.<sup>۶</sup> ۳۹ کشور منتخب در این مرحله عبارت بودند از: آنگولا، آذربایجان، اکراین، ترکمنستان، سودان، ازبکستان، جمهوری کنگو، کوبا، لائوس، کره شمالی، زیمبابوه، ایران، بلاروس، عراق، لیبی، رواندا، سوریه، بوسنی و هرزگوین، ویتنام، سورینام، موزامبیک، قزاقستان، چاد، نیجر، اتیوپی، کرواتی، هائیتی، جورجیا (گرجستان)،

<sup>۱</sup>-Tax Revenue

<sup>۲</sup>-Expenditure of Government

<sup>۳</sup>- Economic Freedom Of The World

<sup>۴</sup>- Index Of Economic Freedom

<sup>۵</sup>-Cross Section

<sup>۶</sup>- www.worldbankdata.org/Indicator

<sup>۷</sup>- لازم بذکر است که به غیر از کشور کره شمالی (با میانگین ۷/۰) در تمامی موارد دیگر میانگین مذکور بیشتر از ۴۰ بوده، به این ترتیب بطور طبیعی حد پایین درجه آزادی اقتصادی کشورها فاصله بین (۴۰-۰) را شامل نمی شد.

مونگولیا (مغولستان)، کامرون، برمه، بلغارستان، لسوتو، رومانی، صربستان، تونس و جمهوری کنگو. در بررسی بعدی این نتیجه حاصل گردید که عمده کشورهای با درجه ی زیرین آزادی اقتصادی فاقد آمار درآمد و هزینه هستند و تعدادی دیگر، نیز گسست ها و اختلال های آماری سری زمانی شدید داشتند که عملاً اولویت های گروه کشورهای نآزاد، به همین دلایل از دست رفت. (که این نتیجه دور از انتظار نبود). به این ترتیب از کشورهای گروه ۲، ۱۰ کشور اوکراین، بلاروس، بوسنی هرزگوین، قزاقستان، ایران، جمهوری کنگو، بلغارستان، تونس، اتیوپی و مغولستان انتخاب شدند که طی سال های (۲۰۰۹-۱۹۹۶) قابلیت برآورد آماری را داشتند.

جدول (۱) مقایسه شاخص های آزادی اقتصادی در مؤسسات فریزر و هریتیج

شاخص	مؤسسه فریزر (گوآرتنی و لاوسون)	بنیادهریتیج / وال استریت ژورنال
تجارت بین الملل	کاهش مالیات بر تجارت بین الملل - حجم تجارت نسبت به پتانسیل ها	کاهش سطح تعرفه ها و فساد در خدمات گمرکی - آزادی در قوانین تجاری
سرمایه در جریان بین المللی	محدودیت های اعمال شده در جریان سرمایه	کاهش محدودیت های اعمال شده در جریان سرمایه و سرمایه خارجی
بازار سیاه	کاهش تفاوت بین نرخ ارز رسمی و نرخ بازار	حضور بازار سیاه بطور کلی
مالیات	کاهش تعرفه ها - کاهش مالیات نهایی	نسبت مالیات به تولید ملی و کاهش مالیات ها
مداخله دولت	تغییرات هزینه های دولت به عنوان سهمی از تولید ناخالص داخلی - کاهش سوبسید و پرداخت های انتقالی به عنوان سهمی از تولید ناخالص داخلی - نقش و حضور دولت در اداره مؤسسات	مداخله دولت در اقتصاد اندازه گیری شده بوسیله ی سهم مصرف دولتی، مالکیت دولت از تجارت و کسب و کار و محصول تولید شده (کارخانجات دولتی)
سیاست های پولی و تورم	متوسط نرخ تورم در پنج سال گذشته - کاهش رشد نقدینگی	محافظت از پول ملی در برابر اسعار - تورم متوسط سه سال اخیر
بانکداری	حقوق شهروندان به داشتن حساب ارزی خارجی در داخل - حقوق شهروندان به داشتن حساب بانکی در خارج از کشور -	۷- آزادی در بانکداری، شامل از بین بردن محدودیت هابر بانک های خارجی و آیین نامه و مالکیت دولت



	حضور بانکهای خارجی و پول خارجی	
عدم کنترل دستمزد و قیمت (شامل قوانین حداقل دستمزد، کنترل قیمتها، یارانه دولتی) - مقررات مربوط به دولت از انجام برخی فعالیتها (الزامات صدور مجوز؛ فساد در دستگاهداری، مقررات نیروی کار، مقررات زیست محیطی) - آزادی تصمیم گیری عاملان اقتصادی	- نبود کنترل قیمت و نبود کنترل نرخ بهره - نبود کنترل بر روی نرخ استقراض - آزادی رقابت در بازار - آزادی معیشت و کسب و کار - سیستم شناور ارز - عدم اجبار در سرباز گیری - آزادی تصمیم گیری عاملان اقتصادی - کاهش و حذف موانع غیر تعرفه ای	کنترل قیمتها و تنظیم بازار
حقوق مالکیت خصوصی - آزادی از نفوذ دولت بر نظام قضایی؛ کمترین قوانین سلب مالکیت، کاهش فساد اداری در قوه قضائیه	برابری شهروندان در قانون و دسترسی آسان به قوه قضائیه - استقلال نظام قضایی - حق مالکیت و امنیت دارایی در اجرا و بدون تبعیض	حقوق مالکیت

EQUALITY A SURVEY STEVE.H.HANKE &STEPHEN.J.K.WALTERS(1997)&ECONOMIC FREEDOM PROSPERIT .1

2 .ON THE RELATION BEETWEEN ECONOMIC FREEDOM & ECONOMIC GROWTH.JAKOB HAN & J. STURM (1999)

##### ۵- معرفی مدل

برای برآورد مدل مطلوب از روش علی-تحلیلی استفاده شده است<sup>۱</sup> و از ادغام مدلهای تالپس وهمکاران (۲۰۰۸)، بارو (۱۹۸۹) و گریل (۱۹۹۱) مدل مورد استفاده در تحقیق برآورد گردیده است.

مدل تالپس وهمکاران (۲۰۰۸) برای سنوات ۲۰۰۳-۲۰۰۶ تخمین زده شده است، که در آن بودجه را تابعی از درجه آزادی اقتصادی با استفاده از داده های ۵۶ کشور بصورت مختلط در نظر میگیرد و بوسیله روش پنل دیتا مدل ذیل را معرفی میکند. لازم به ذکر است این تحقیق جزو معدود پژوهشهایی است که بین بودجه و درجه آزادی اقتصادی ارتباط (مثبت) برقرار می کند. در این مدل  $bud_e$  تفاضل کل درآمدها از هزینه های دولت و  $frd_e$  درجه آزادی اقتصادی بر اساس رتبه بندی موسسه فریزر میباشد:

<sup>۱</sup> - مراجعه شود به: مقدمه ای بر روش تحقیق در علوم انسانی، محمد رضا حافظ نیا، سمت، ۱۳۸۴

$$bud_e = c + a ( frd_f ) + u_t$$

بارو ( ۱۹۸۹ ) برای دو دوره ۱۹۱۳-۱۷۰۶ و ۱۹۱۸-۱۷۰۶ از روش OLS برای بریتانیا مدلی را که در آن نسبت کسری بودجه دولت  $[(B_t - B_{t-1}) / (GDP)]$  را به انباشت بدهی ها  $(B_{t-1} / GDP)$  و نسبت هزینه های موقتی دولت  $(G / GDP)$  ارتباط میدهد در این مدل ارتباط مثبت بین کسری بودجه ، انباشت بدهی ها و نسبت هزینه های موقتی دولت تایید میگردد.

$$(B_t - B_{t-1} / GDP_t) = C + b_0(B_{t-1} / GDP_t) + b_1(G_t / GDP_t) + U_t$$

همچنین گریل (۱۹۹۱) نسبت کسری بودجه به تولید ناخالص داخلی را تابعی از نسبت پرداخت های دولت عنوان می کند. لذا در این پژوهش با استعانت از مبانی نظری تحقیق و از ادغام مدل های فوق رابطه بین درجه آزادی اقتصادی ، رداختهای دولت و کسری بودجه ، به ترتیب به شکل تابع و بصورت جبری زیر معرفی می گردد:

$$bud = F ( frd , g_c )$$

$$bud = a + b ( frd ) + c ( g_c ) + u_t$$

که در آن  $bud$  معرف نسبت کسری بودجه به تولید ناخالص داخلی (برحسب دلار) و  $frd$  معرف درجه آزادی اقتصادی (توسط بنیاد هریتیج) و  $g_c$  نسبت کل پرداختهای دولت به تولید ناخالص داخلی (بر حسب دلار) است. بدلیل آن که درجه آزادی اقتصادی از زیر فصل های متنوعی در حوزه های اقتصادی (و بعضاً غیر اقتصادی) مانند: ۱- رشد مخارج دولت، ۲- درآمدهای مالیاتی و آزادی مالی، ۳- بار مالی و انضباط اقتصادی دولت، ۴- پول سالم و آزادی پولی، ۵- آزادی کسب و کار و مبادله، ۶- آزادی تجارت، ۷- آزادی سرمایه گذاری، ۸- حقوق مالکیت، ۹- آزادی نیروی کار ۱۰- کاهش فساد اقتصادی تشکیل شده است. لذا ورود هر کدام از متغیرها و یا زیر فصلهای درجه آزادی اقتصادی که بیش از ۵۰ متغیر است، مدل مذکور را دچار همخطی کرده، از کارآمدی خارج میکند. به عبارت دیگر درجه آزادی اقتصادی برآیندی از بیش از ۵۰ متغیر است و لذا بعنوان متغیر مستقل کاملی محسوب گردد. همچنین متغیر  $g_c$  (نسبت کل پرداختهای دولت به تولید ناخالص داخلی) به عنوان اثرگذارترین متغیر، در تولید کسری بودجه با استناد به مبانی تئوریک و پیشینه تحقیق لحاظ گردید. به این ترتیب، مدل فوق برای کشورهای با درجه آزادی اقتصادی پایین برآورد گردید.

### ۶- روش برازش و ترکیب داده های سری زمانی و مقطع زمانی

برای برازش مدل مربوط به ۱۰ کشور در گروه نآزاد، طی سال های (۲۰۰۹ - ۱۹۹۶) به لحاظ متدولوژی اقتصادسنجی از روش داده گسترده یا تلفیقی استفاده شد، محدودیت های روش حداقل مربعات معمولی (OLS) در خصوص سری زمانی و مدل های مقطع زمانی سبب می شود که از این روش برای تخمین داده های سری زمانی<sup>۱</sup> و مقطع زمانی<sup>۲</sup>، انجام شود. لذا برای این منظور از روش داده های تلفیقی استفاده شده است، مزایای روش مذکور عبارت است از:<sup>۳</sup>

الف- تعداد مشاهدات در این روش بسیار بیشتر از دو روش سری زمانی و داده های مقطعی است. لذا باعث اعتماد بیشتر برآوردها می گردد. ب- به محققان اجازه می دهد مدل های پیشرفته تری را تبیین نمایند که فرضیه های مقید کننده کمتری داشته باشد. پ- ازدیاد داده ها مسئله هم خطی در اقتصادسنجی را تا حد زیادی حل می کند چون داده ها در طول زمان و هم در میان مقاطع، تغییر می کند و لذا احتمال کمتری می رود تا متغیرهای ناهمگن، هم خطی داشته باشند. ج- بوسیله این روش می توان اثراتی را شناسایی و اندازه گیری کرد که در داده های مقطعی یا سری زمانی خالص قابل شناسایی نیست. د- با استفاده از این روش، تورش برآورد کم شده یا از بین می رود.<sup>۴</sup>

مدل های (داده های تلفیقی یا گسترده) اگرچه مزایای زیادی دارد اما بدلیل ادغام داده های مقطع زمانی و سری زمانی بصورت همزمان، مشکلات عمومی مدل های مذکور را توأمان دارد به طور مثال چون مشکلات مربوط به خود همبستگی مربوط به داده های سری زمانی و ناهمسانی واریانس مشکل خاص داده های مقطعی است، هنگامی که سری زمانی مورد نظر طولانی و واحدهای مقطعی محدود باشد باید به وجود مشکل خودهمبستگی توجه ویژه کرد و در شرایطی که سری زمانی مورد نظر محدود و

<sup>۱</sup>- Ordinary Least Square

<sup>۲</sup>- Time Series

<sup>۳</sup>- CrossSection

<sup>۴</sup>- اشرف زاده، سیدحمیدرضا و نادر مهرگان، ۱۳۸۷، اقتصادسنجی پانل دنیا، دانشگاه تهران، مؤسسه تحقیقات تعاون، ص ۴۱ و ص ۴۲.

<sup>۵</sup>- Matyas, Laszlo And Patrick Sevestre, 1992, "The Econometrics Of Panel Data". Kluwer Academic Publishers. P22.

واحدهای مقطعی متنوع و زیاد باشد احتمال بیشتری در وجود ناهمسانی واریانس بین گروه‌ها وجود دارد. از این جهت حل مشکلات مدل‌های پنل فنی تر و تکنیکی تر است، که بطور خلاصه به آن می‌پردازیم:

الف- وقتی داده‌ها همگن است.

در این حالت شیب‌ها و عرض از مبدأهای معادلات برهم منطبق است ( $a_{it}=a$ )<sup>۱</sup> و در مدل مورد استفاده، گویی داده‌ها به شکل سری زمانی برهم رگرسیون زده میشود و تمام ضرایب زاویه و عرض از مبدأها ثابت است.

ب- وقتی متغیرهای مستقل، با اجزاء اختلال همبسته باشد.

در این حالت قطر ماتریس واریانس-کواریانس، یک است. لذا رویکرد اثر ثابت فرض می‌گیرد که  $\mathcal{E}_{it}$ ، یک جمله غیر تصادفی ولی ثابت برای هر مقطع است. یعنی هر ضریب، عرض از مبدأ متفاوت دارد ( $a_{it}=a_i$ ).

پ- وقتی متغیرهای مستقل با اجزاء اختلال همبسته نباشند.

در این حالت ماتریس واریانس-کواریانس غیر واحد است و  $\mathcal{E}_{it}$  یک جمله تصادفی برای هر گروه است.<sup>۳</sup> اما برای هر دوره زمانی، از توزیع تصادفی  $\mathcal{E}_{it}$ ‌ها برای یک رخداد و بطور یکسان در هر دوره، در مدل رگرسیونی وارد می‌شود، که خود تابع توزیع احتمال و توزیع آماری دارد. یعنی  $\mathcal{E}_{it} = M + \epsilon_{it}$  میشود. (این مسئله بدلیل ماهیت تلفیق داده‌های سری زمانی و مقطع زمانی رخ می‌دهد) مدل اصلی پنل دیتا از سه روش قابل برآورد است که هر کدام فرضیات مربوط به خود را دارد. از آنجا که نمی‌توان قبل از تخمین مدل، پیش‌داوری کرد، لذا آزمون‌هایی وجود دارد که می‌تواند نوع مدل را قبل از برآورد قطعی، مشخص نماید. برای این منظور دو آزمون پیشنهاد شده است ۱- آزمون  $F^4$ ، ۲- آزمون هاسمن<sup>۵</sup>.

<sup>۱</sup>- در این حالت عرض از مبدأ و شیب‌های معادلات مشترک می‌شود و لذا می‌توان از مدل Common یا Pool استفاده نمود.

<sup>۲</sup>- Variance- Covariance Matrix

<sup>۳</sup>- Random Effect

<sup>۴</sup>- F-Test

<sup>۵</sup>- Hausman- Test

### ۷- نتایج آزمون ها

همانطور که ذکر گردید فرم جبری معادله ی مورد نظر بشکل روبه رور میباشد:

$$u_t + a + b.frd + c.g_c = bud$$

این مدل برای کشورهایی که درجه آزادی اقتصادی پایین تر از ۶۰ درصد را دارا بوده اند، در نظر گرفته شده است که برای برآزش صحیح، آزمونهای مختلفی انجام شده است که بشرح زیر می باشد:

**الف -** بطوری که ذکر گردید آماره F محاسباتی برای آزمون برابری عرض از مبدا ها استفاده میگردد. با توجه به جدول زیر مقادیر آماره F محاسباتی در سطح  $\alpha = 0.05$  از F جدول (یعنی ۲/۷۱ بزرگتر است) لذا میبایست عرض از مبدا های مختلفی برآورد شود.

جدول (۲) آزمون برابری عرض از مبداها (آزمون F)

گروه کشورها	آماره F محاسباتی
کشورهای با درجه آزادی اقتصادی پایین	۱۳

ماخذ: محاسبات تحقیق

ب- به منظور انتخاب اثرات ثابت و یا تصادفی از آزمون هاسمن استفاده می کنیم. اگر آماره کای دو محاسباتی در سطح  $\alpha = 0.05$  کوچکتر از آماره کای دو جدول یعنی (۶) باشد، اثرات ثابت ناسازگار و اثرات تصادفی را انتخاب می کنیم.

جدول (۳) آزمون انتخاب اثرات ثابت و یا تصادفی (آزمون هاسمن)

گروه کشورها	آماره $X^2$ محاسباتی
کشورهای با درجه آزادی اقتصادی پایین	۴/۲۴

ماخذ: محاسبات تحقیق

پ- برای آزمون مربوط به ریشه واحد از روش ایم. پسران. شین در هر دو گروه کشورها و برای تک تک متغیرها استفاده گردید که نتایج درضمیمه آمده است. در همین

راستا از آزمونهای مربوط به هم انباشتگی<sup>۱</sup> از روش فیشر<sup>۲</sup> که جامع تر از روشها و آزمونهای دیگر است استفاده شده نتایج با توجه به جدول ذیل در سطح معنی داری  $\alpha = 0.05$  حاکی از مانایی متغیرهای مذکور در طول زمان است.

جدول (۴) - آزمونهم انباشتگی (آزمون Fisher)

نتایج آزمون	گروه کشورها
۷۶ / ۱	کشورهای با درجه آزادی اقتصادی پایین

ماخذ: محاسبات تحقیق

#### ۸- برآورد نهایی مدل

در نهایت برای کشورهای با پایین ترین درجه آزادی اقتصادی، از روش پنل دیتا برآورد گردید. این مدل مربوط به کشورهای با درجه پایین آزادی اقتصادی است و همانطور که ذکر گردید، پس از تخمین ضرایب و انجام آزمون F و هاسمن و آزمون های مربوط به مانایی داده ها شامل آزمون ریشه واحد از روش ایم پسران شین و نیز آزمون هم جمعی از روش فیشر، مدل اثرات تصادفی<sup>۳</sup> برای ۱۰ کشور ناآزاد شامل ایران، بلاروس، بوسنی هرزگوین، کنگو، اتیوپی، مغولستان، اکراین، تونس، قزاقستان و بلغارستان برگزیده شد:

$$F_{0.05} = 13.0, F_{(9, 128)}^{0.05} = 2.71$$

$$bud = 5.6 - 0.213 frd + 0.618 g_c$$

$$2.25 \quad -5.45 \quad 14.39$$

$$R^2 = \%68.5$$

$$\text{Prob (Hausman test)} = 0.12$$

$$\text{Test Of Utility For Cointegration} = \text{Fisher Test}$$

به این ترتیب فرضیه اصلی تحقیق مبنی بر ارتباط معنی دار و معکوس بین آزادی اقتصادی و کسری بودجه، برای کشورهای ناآزاد پس از آزمونهای مذکور تایید گردید. در جدول زیر خلاصه برآزش مدل آورده شده است:

<sup>1</sup>-Cointegration

<sup>2</sup>-Fisher Test

<sup>3</sup>-Random Effect

جدول (۵) - خلاصه نتایج برآزش مدل

متغیرها آزمونها.	frd	g	c
ضرائب	-۰/۲۱۳	۰/۶۱۸	۶/۵۰
T	-۵/۴۵	۱۴/۳۹	۲/۲۵
D.W	۱/۱		
R <sup>2</sup>	۰/۶۸		

ماخذ : محاسبات تحقیق

### ۹- نتایج

۱- فرضیه ی رابطه معکوس بین درجه آزادی اقتصادی و درصد کسری بودجه (نسبت به تولید ناخالص ملی) در کشورهای نآزاد تایید میگردد. بنابراین با افزایش درجه آزادی اقتصادی، کسری بودجه کاهش می یابد که این نتیجه با توجه به مبانی تئوریک دور از انتظار نبود.

۲- برای کشورهای مورد بررسی، ضریب درجه آزادی اقتصادی (frd)، 0.213- است به عبارت دیگر با افزایش یک درصدی درجه آزادی اقتصادی درصد کسری بودجه در کشورهای مورد بررسی، به اندازه 0.213 کاهش می یابد. در توجیه ضریب مربوطه، می توان گفت چون کشورهای با درجه آزادی اقتصادی پایین تر عمدتاً کشورهایی کمتر توسعه یافته<sup>۱</sup> هستند لذا با افزایش درجه آزادی اقتصادی ظرفیت های بیشتری برای کاهش کسری بودجه پیدا می کنند. اکثریت این کشورها هنوز به سطح قابل قبولی از خصوصی سازی و اصلاح نظام مالیاتی نرسیده اند و بدلیل آن که در اولین مرحله از آزادسازی اقتصادی، تأکید بر دو مولفه آزادی مالی و اندازه دولت می نماید لذا در مراحل نخست خصوصی سازی، و اصلاح نظام مالیاتی، شدت کاهش کسری بودجه، بیشتر از شدت کاهش کسری بودجه در مراحل بعدی است و لذا نرخ رشد کاهش کسری بودجه در این کشورها زیاد است.

<sup>۱</sup> - The Less Development Countries.

۳- در کشورهای نآزاد ضریب نسبت هزینه های دولت (g) ، 0.618 است به عبارت دیگر با افزایش یک درصدینسبت مخارج دولت به اندازه 0.618 درصد کسری بودجه ، افزایش مینماید.

#### ۱۱- پیشنهادات

در رابطه با نتایج بدست آمده پیشنهادات ذیل مطرح می گردد:

۱- بدلیل شدت آزادی اقتصادی در کاهش کسر بودجه ، به نظر میرسد کشورهای نآزاد مینبایست با سرعت اقدام به توسعه آزادی اقتصادی ( توأم با دقت و نظارت و کارآمدی) نموده و به عنوان نخستین گام، اقدام به کوچک سازی دولت و اصلاح نظام مالیاتی نمایند...  
۲- از آنجا که کشور ایران نیز در مجموعه گروه کشورهای نآزاد قرار گرفته است لذا باید در واگذاری های مؤسسات و بنگاههای تولیدی از شبه دولتی سازی پرهیز نماید، انضباط مالی و پولی را کاملاً رعایت نموده، سهم اقتصاد زیرزمینی از تولید ملی و سهم نفت از بودجه کشور را کاهش دهد و بودجه را واقعی نماید و نیز نهادهای مدنی را که نقش ویژه ای در آزادی اقتصادی ایفا می کنند، توسعه داده و به سمت بهبود شاخص های حاکمیت خوب حرکت نماید.<sup>۱</sup>

۳- به دلیل آنکه توسعه آزادی اقتصادی تأثیر به سزایی در کاهش کسری بودجه برجای می نهد لذا پیشنهاد می گردد کشورهای نآزاد مورد بررسی، در جهت افزایش آزادی های اقتصادی تلاش مضاعف نمایند.

۴- اگرچه عمده ی مختصات آزادی اقتصادی متوجه دولتهاست اما برخی از مؤلفه های کلیدی آن در انحصار مردم و جامعه است.<sup>۲</sup> از این جهت به نظر می رسد، کارایی در سیاست بهبود کسری بودجه خواهان عزم ملی و برنامه ریزی بلند مدت توأم با رشد آزادی سیاسی و حاکمیت خوب است.

<sup>۱</sup>- Good Governance، (ذکر این نکته لازم است که در یازده سال گذشته طبق رتبه بندی بنیاد هریتیج، کشور ایران جزء یازده کشور زیرین در رتبه بندی آزادی اقتصادی بوده است.)

<sup>۲</sup>- مانند نگرش مردم به مالیات- مسئله فرار و اجتناب مالیاتی که از ناحیه مردم می باشد، همچنین فرهنگ آموزش و آموزش عمومی، مسئولیت اجتماعی و اقتصادی و احترام به قانون از جمله آنها است ، هزینه های مبادله را کم می نماید.



۵- با توجه به مبانی تئوریک، به نظر میرسد در معیارهای آزادی اقتصادی، بهتر است شاخص آزادی سیاسی (با زیر فصلهای حاکمیت خوب و توسعه نهادهای مدنی کارآمد)، به عنوان معیار یازدهم مورد استفاده قرار گیرد.

### فهرست منابع

- ۱) استیگلیتز، جوزف و میر، جرالده، پیشگامان اقتصاد توسعه، (آینده در چشم انداز)، ترجمه دکتر غلامرضا آزاد (ارمکی)، چاپ دوم ۱۳۸۴. نشر نی
- ۲) ده استاد، تاریخ اندیشه‌ها و عقاید اقتصادی، ترجمه دکتر هادی صمدی، چاپ اول، ۱۳۷۴، موسسه تحقیقات اقتصادی
- ۳) فریدمن، میلتن و رزه آزادی انتخاب، ترجمه حسین حکیمزاده جهرمی. تهران چاپ اول، ۱۳۶۷- نشر پارسی، چاپ فاروس
- ۴) صمیمی، احمد، ۱۳۸۴، اقتصاد بخش عمومی (۱)، نشر سمت
- ۵) نورث، داگلاس، ساختار و دگرگونی در تاریخ اقتصادی، ترجمه غلامرضا آزاد ارمکی، ۱۳۷۹، تهران، نشر نی
- 6) An Inquiry Into The Nature & Causes of the "Wealth Of Nations" Adam smith, A Penn State Electronic Classics Series Publication, 2005 – The Pennsylvania University.
- 7) Alesina, Alberto, and Perotti, Roberto, March, 1995, Political Economy Of Budget Deficits International Monetary Fund, Staff, Papers – International Monetary, Washington, Vol 42, IISS, 1
- 8) Alesina, Alberto, and Perotti, Roberto, 1998, Budget Deficit & Budget Institutions, given of: www. Translate.Google.com
- 9) Bastia. Fredric, 1850, That which is Seen & That which is not Seen, French
- 10) Barro Robert, , On The Determination Of Public Debt. Journal Of Political Economy (1989)
- 11) Bhagwati, Jagdish & Desai, Padma, (1970), Planning For India's Industrialization, Oxford University Press
- 12) Barro, Robert-2000-Ricardian Approach To Budget Deficit, Journal Of Political Economy, Vol. 84
- 13) Barro, R. 1987. Journal Of Monetary Economics, 20
- 14) Campbell Colin, Canadian Tax Journal, Revue Fiscal Canadian (2002) Vol, 50, No6, "Budget Surplus, Democratic Deficit".
- 15) De Haan & E. Strum, (1994), Political & Institutional Determinates Of Fiscal policy In The European Community, Public Choice
- 16) Friedman Milton "Free To Choose", A Personal Statement, Hearst Corporation, New York, 1979,

- 17) Fredric Bastiats. "Economic Sophisms", The Fun Ration For Economic Education, INC 1996.18-Hayek, Fredric, (2000) "The Road Of Serfdom" Edition Of Reader Digest ,The Institute OfEconomic,Britishlibrary
- 18) Keefer. P- Knack. S-Olson. M. (1996) Property and Contract Rights In Autocracies and Democracies, Journal Of Economic Growth 1:243-76.
- 19) Kirchaessner ,G, 2003 . The Effect Of Fiscal InstitutionOn Public Finance , CEsifo Working Papers 617
- 20) Ostrom ,Elinor and T .K . Ahn, Foundation Of Social Capital , Hard Cover
- 21) Lipset, Seymour. M. (1959) "Some Social Requisites Of Democracy, Economic Development and Political Legitimacy, American. Science Review 53. (69-105)
- 22) Masciandaro, D &Grilli, V&Tabellini, G, (1991) Political and Monetary Institutions & Public Finance Policies In The Industrial Democracies, Economic Policy 13
- 23) Matyas ,Laszlo And Patrick Sevestre ,1992,"The Econometrics Of Panel Data " . Kluwer Academic Publishers
- 24) Mathias Koenig,October (2002)Archive Is Research Officer at The London School Of Economics and Political Science, Revised Version Of a Paper Presented at The Conference "The International Role Of The European Union & The Enlargement Process
- 25) Merino, Rafael,(2005),Interview With The National Union Of Rail, Maritime, Transport Workers (RMT). Bristol Rail Branch (0224), Bristol, England, December
- 26) MohammadYounis, XuXiao,LinYahya Sharahili,2008,SamthirasegaramSelyarathinam, "Political Stability and Economic Growth In Asia" American Journal Of Applied Sciences 5(3)
- 27) Mill. J. S,(1963),About The Freedom, , The Collection Works of John Stuart Mill, University of Toronto Press.
- 28) Norbert Michel, "Budget Deficit Very Between Freedom Economic" Capitalism Magazine, Summer (2004).
- 29) Ouchi,W.G,1980,,Markets, Bureaucracies, and Chains, Administrative Science Quarterly 25:129-41.
- 30) Persson, Thorsten, Svensson, Lars, "Why a Stubborn Conservative World Run a Deficit Policy With Time Inconsistent Preferences, The Quarterly Journal Of Economics Vol. CIV,(1989)
- 31) Remmer .K. L. (1996) "The Sustainability Of Political Democracy Lessons For South America" Comparative Political Studies. 291. 11-34.
- 32) Romer David,(1996), "Advance Macro Economics"Mc.GrowHill .Chapter11
- 33) Sachs, J. and S. Roubini.N. (1989) Government Spending and Budget Deficit In The Industrialized Countries, Economic Policy 8: 99-10.Cortes
- 34) Schugurenky. Daniel, April 29, 2004,Participatory Budget, ATool For Democratizing Democracy. Talk Given at The Meeting "Some Assembly Required" Case Of Canada and Abroad, Toronto Metro Hall:
- 35) Surjit ,S, Bhalla , April 2000, The Road To Economic Freedom, India , New Delhi

- 36) Shi, Min & Svensson. Jakob, "Political Budget Cycles In Developed and Developing Countries". (2002)
- 37) Talpos Ioan, Bogdan Dima, Mihai Mutascu, Cosmin Enache, An Empirical Analyses Of The Budget Deficit, The Political and Applied Economics, REL Classification: 13 F. 10B, 8 K. 2008
- 38) Talpos Ioan; Freedom Political and Deficit Budget In The World (2009) . Given Of google.Com
- 39) Tabellini, Guido and Alesina (1990), Voting On The Budget Deficit, The American Economic Review, Vol 80, No1, PP 37-49.
- 40) Wagner and Buchanan, 1977, "Democracy and Budget Deficit," New York, Academic Press